

سُورَةُ الْفَتْحِ ٤٨

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا



ما گشودیم بر تو فتحی بی‌کران آن‌چنان فتحی، نمایان و عیان
لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَبِئْسَ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا



تا ببخشاید تو را ربِّ رحیم از عنایات و زِ الطافِ عمیم
از گناهانِ گذشته یا که حال هم به آینده همگی بالمآل
نعمتش را بر تو در حدِّ کمال می‌کند افزون خدای ذوالجلال
می‌رساند او تو را بر راهِ راست راهی که منظورِ ذاتِ کبریاست
وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا



یاری بخشد بر تو ذاتِ کردگار نصرتی باعزّت و بس پایدار
هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ ۚ وَلِلَّهِ جُنُودُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

او که آرامش ببخشد بیکران
تا که ایمان و اصولِ بندگی
در زمین و آسمان، کلّ سپاه
هست دانا و خبیر ربّ کریم
بر قلوبِ پاکِ جمله مؤمنان
آورند اندر فزون در زندگی
صاحبِ آنها بود یکتا اله
بر اموراتِ دو عالم او حکیم

لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۚ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا

تا کند داخل به فردوسِ برین
که بسی نهرهای زیبا و روان
هم زداید نیز ز ایشان هر عیوب
اندر آنجا نیز جمیع مؤمنان
جملگی از مؤمنات و مؤمنین
جاری هستند مستمر در زیر آن
از بدی‌ها جملگی و هر ذنوب
جاودان مانند در امن و امان
کامیابی نزدِ رحمانِ رحیم
رستگاری باشد و فوزِ عظیم

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۖ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

سخت عذابی می‌دهد پروردگار
مشرکان نیز همچنین از مرد و زن
آن بدی و سوءِ احوال بیشمار
خشم و لعنت نیز از یکتا اله
بر منافق، مرد و زن در روزگار
که به یزدان بُرده آنها سوءِ ظن
بازگردد سوی ایشان آشکار
می‌رسد بر این گروهِ پرگناه
جایگاهی بد بود بهر لثیم
کرده آماده بر ایشان هم جحیم

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

در زمین و آسمان، کلّ سپاه
 هست دانا و خبیر ربّ کریم
 صاحبِ آنها بود یکتا اله
 بر اموراتِ دو عالم او حکیم
 إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

ما فرستادیم تو را باشی گواه
 که بشارت آوری بر بندگان
 شاهی از ذاتِ یکتای اله
 هم دهی هشدار به مخلوقِ جهان
 لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَزَّوهُ وَتُوقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

تا شما هم بر خدا و هم رسول
 یآوری ورزید او را جملگی
 آورید ایمانی بر اصل و اصول
 با شکوه و عزّت آرید بندگی
 هم به تسبیح آورید حق را مدام
 در پگاه و همچنین در وقتِ شام
 إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۚ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ
 نَفْسِهِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِنْ أَجْرٍ عَظِيمٍ

آن کسان که با تو بیعت کرده‌اند
 بر فراز دستشان دستِ خداست
 بیعتِ خود بر خدا بسپرده‌اند
 بر هدایت رفته‌اند و راهِ راست
 هر که پیمان را شکست، از هر نظر
 بر خودش باشد شکست و هم ضرر
 هر که محکم بست پیمان و عهد
 باوفا باشد به عهدِ آن و دود
 پس ببینند زود، رحمت را عیان
 که بود اجری عظیم از ربّشان

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ
مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ
نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

﴿۱۱﴾

برخی اعراب پشت کردند بر جهاد	با چنین عذری زبان خواهند گشاد
ما نکردیم یاوری اندر جدال	بهر ما هرگز نیامد این مجال
چون که بودیم بر حفاظت ما تمام	بهر اقوام و ز مال خود مدام
گر نیامد کس ز ما در کارزار	کن طلب غفران ما از کردگار
بس سخن‌هایی برانند بر زبان	که نمی‌باشد ز قلب این خسان
ای رسول! تو بر این قوم دورو	پاسخی ده و بر ایشان بازگو
کیست غیر از ذات پاک کردگار؟	که بگیرد از شما در روزگار
خویش و اقوام و همی از مالتان	سود ببخشاید شما را یا زیان
آری! باشد آگه آن ربّ خبیر	بر همه اعمال و بر کنه ضمیر

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيْنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ
وَظَنَنْتُمْ ظَنًّا سَوْءٍ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا

﴿۱۲﴾

آری! داشتید از خباثت این گمان	که رسول‌الله و جمع مؤمنان
از جدالی سخت و جانکاه و گران	برنخواهند گشت بر اقوامشان
این‌چنین آراسته شد در قلبتان	از گمان سوء و فکر و ظنّتان
بر هلاکت پس رسیدید جملگی	قهر حق را شاملید در زندگی

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

﴿۱۳﴾

هر کسی ایمان نیارد در جهان بر خداوند و رسول، از دل و جان
کرده‌ایم آماده بهر کافران آتشی سوزنده و هم بیامان

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

﴿۱۴﴾

مالک‌الملکِ سماوات و زمین هست ذاتِ پاکِ ربِّ العالمین
هر که را لایق بداند کردگار مغفرت بخشد بر او پایانِ کار
هم بیارد در عذابی بس آلیم هر که را خواهد خداوندِ علیم
هست غفور و مهربان، ربِّ کریم بر همه مخلوقِ عالم، او رحیم

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا
كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنُتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا
يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا

﴿۱۵﴾

پس بگویند این‌چنین بازماندگان از ره مکاری و کیدی گران
تا به پایان آمده جنگ و جدال بر غنیمت‌ها رسید چون بالمآل
می‌کنند تأکید اندر آن زمان که دهید رخصت بیاییم نزدتان
از ره مکر این‌چنین حرفی زنند تا دگرگون بلکه امرِ حق کنند
تو بگو، بر این گروه بیحیا که نیاید در پی و در نزدِ ما
باخبر بنمود ما را کردگار از چنین گفتارتان بس آشکار
پس بگویند بار دیگر روی کین که حسد آرید بر ما اجمعین
این‌چنین نیست، جاهلند قومِ ذلیل درک ندارند جز گروهی بس قلیل

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتَدْعُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسَلِّمُونَ فَإِذَا
تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

﴿۱۶﴾

گو، به اعرابی که داشتند اختلاف
 که به کارزاری شما خوانده شوید
 تا مسلمان گشته و تسلیم حق
 پس اگر فرمان برید از کردگار
 لیک اگر آن سان که کردید پیشتر
 می دهد ایزد شما را بس عذاب
 از جهاد، رو تافتندی از خلاف
 با سپاهی جنگجو، حربی شدید
 دست شویند از جدال آنکه فرق
 می دهد مزدِ نکو، پروردگار
 از جهادِ حق بگردانید سر
 سخت معذب می شوید اندر عقاب

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا

﴿۱۷﴾

نیست حَرَج بر فرد نابینا و کور
 همچنین نبود حَرَج بیگفتگو
 فرد بیمار و مریض و ناتوان
 هر کسی که امر یزدان و رسول
 بر بهشت آرند ورود، این مؤمنان
 هر کسی بنمود تخلف و خطا
 بر جهاد و جهد در امر و امور
 بر کسی که هست علیل اعضای او
 بهر او نبود حرج یا امتحان
 کرد اطاعت و بیاورد او قبول
 که به زیر آن بود نهرها روان
 سخت عذابی او ببیند از جزا

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا

﴿۱۸﴾

حق تعالی گشت خوشنود و رضا
 که نمودند بیعتی زیر شجر
 بوده ایزد آگه از نیاتشان
 گشته آرامش به دل هاشان عطا
 زود باشد که بیابند هم نصیب
 از گروه مؤمنان باصفا
 اتحادی مُستدام و مُستقر
 زانچه را کردند با اعمالشان
 که شده نازل بر آنها از خدا
 اجری که باشد همان فتح قریب

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

هم نصیبشان بشد اندر جدال از غنیمت‌های بسیار و ز مال
 ذاتِ بی‌همتا و آن ربِّ رحیم مقتدر اندر امورات و حکیم
 وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً
 لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

وعدۀ داده بر شما ربِّ خبیر از غنیمت‌های بسیار و کثیر
 که به دست آرید در حدِّ کمال کرده تعجیل بهرتان حق بالمآل
 تا کند کوتاه، دستِ مردمان از برای حرب و هم آزارتان
 این بگردید حجتی بر مؤمنان آیتی بس آشکارا بهرشان
 حق هدایت آورد بیکم و کاست بر صراطِ مستقیم و راهِ راست
 وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

هم غنیمت‌های دیگر بر شما وعدۀ باشد از سوی ذاتِ خدا
 که نیافتید چنگ، بر آنها هنوز حق احاطه داردی بر آن کنوز
 قادرِ مطلق بود ربِّ خبیر بر همه اجزای عالم او قدیر
 وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

تا نمودند عزم آنکه کافران که به پا سازند جنگی بس گران
 پشت بر جنگ، جملگی آرند فرار در میان عرصه‌ی آن کارزار
 هیچ نماند بهر ایشان فرصتی هم نبینند یآوری و نصرتی

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ^ص وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

﴿۲۳﴾

سُنَّتِی این گونه برپا شد ز حق که چنین می‌بوده از یومِ سبق
نیست دگرگونی و تغییر اندر آن این نهادِ ایزدی هست جاودان
وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ^۳
وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

﴿۲۴﴾

اوست آن که دستِ جمله دشمنان از شما بنمود کوتاه آن میان
همچنین دستِ شما از هر وجوه ذاتِ ایزد کرد کوتاه زان گروه
در دلِ مکه در آن جنگ و جدال تا ظفر بخشد شما را بالمآل
هست آگه ذاتِ یکتای خبیر بر همه اعمالتان باشد بصیر
هُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ^۴ وَلَوْ لَا
رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ^۵ فِتْصِيْبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ^۶
لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ^۷ لَوْ تَزِيلُوا لَعَذَبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

﴿۲۵﴾

این گروهند جمله از ناباوران که شدند کافر به ربّ دو جهان
کرده مسدود راهتان کامل و تام تا نیابید راهی بر مسجدحرام
هم برای ذبح آن قربانیان گشته مانع آن گروه کافران
گر نبود از مؤمنات و مؤمنین در میانِ صحن و اندر آن زمین
بود ممکن که به طور ناشناس بیگناه کشته شوند در بین ناس
خون ایشان بر شما بود جاودان همچنین نیز یک گناهی بس گران
هر که را خواهد خدای ذوالجلال شاملِ رحمت کند حدّ کمال

گر که می‌گشتند جدا آن کافران در میان صحن و اندر آن مکان
ما بر آن کفار پست و بس لئیم می‌رساندیم از عذاب‌های الیم

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ
وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمًا

﴿۲۶﴾

یاد بیارید که گروه کافران از تعصب آنچه بود در قلبشان
بر جهالت طی نمودند راهشان خشم و کین آورده در حدّ کلان
در مقابل، ذات پاک ذوالجلال بر نبی و مؤمنان اندر کمال
داد آرامش به قلب پاکشان تا کنند احساس امن و هم امان
همریشان کرد عطایایی ز جود پای‌بند حرف پرهیز از ودود
بلکه بودند مؤمنان این سپاه بس سزاوارتر به الطاف اله
چون که اهلیت همه داشتند یقین بر خدا و بر رسول و يوم دین
حق تعالی ذات یکتای حکیم بر همه اجزای عالم هست علیم

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ
رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ قَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فُجِعَلْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتَحًا قَرِيبًا

﴿۲۷﴾

کرد تصدیق، ذات یکتای خدا آنچه دید در خواب، نبی مصطفی
که درآیند با رسول اندر میان بر سوی مسجد حرام، آن مؤمنان
چون که خواهد ذات ایزد این چنین می‌تراشند جمله سرها اجمعین
بی‌محبا و بدون ترس و بیم مستقر گردند اندر آن حریم
پس بدانست ذات پاک ایزدی که نبودید آگه از آن جملگی
بر شما هست فتح دیگر هم نصیب آن چنان فتحی که می‌باشد قریب

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

هست خدا، آن که فرستاده رسول
تا بحق پیروز ماند جاودان
کافی باشد ذاتِ یکتای وحید
بر هدایت سوی دین اندر اصول
بر همه ادیانِ دیگر در جهان
بر گواه و شاهدانِ آن شهید

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ
فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ
وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ
الزَّارِعَ لِيُغِيطَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا
عَظِيمًا

هست محمد، او رسولِ کردگار
همچنین نیز پیروانش در جهان
لیک باشند بهر هم در روزگار
بینی ایشان را همیشه باخشوع
در طلب آرند اندر روزگار
همچنین در وجهه و سیمایشان
این چنین آمد به تورات و صفشان
که ز یک دانه گیاهی تا بُرُست
لیک گردد ساقه هایش استوار
که بگویند تهنیت ها زارغان
لیک کافر سیرتانِ دل پریش
این بود وعده ز ذاتِ کردگار
کارِ نیکو گر نماید در جهان
شاملند جمله به الطافِ عمیم
تا که بخشاید هدایت آشکار
سخت گیرند بر جمیع کافران
مهربان و بامحبت استوار
آورند بر حق، سجود و هم رکوع
بخشش و خوشنودی پروردگار
از اثرهای سجود باشد نشان
هم به انجیل نقل گردیده عیان
اول کار آن گیاه می بوده سست
ایستاده بعد، قوی و پایدار
زان شجر در استقامت آن چنان
خشم آرند جمله از انکار خویش
هر کسی شد متقی و راستکار
مغفرت ببند ز ربِّ مُستعان
مزد بی پایان و هم اجرِ عظیم